



ناشرانیده های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهارم) پنجشنبه ۱۵ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۴ اپریل ۱۹۶۸ ع

کارگران کشور بیکار اند! چهره خوفناک بیکاری زندگی ملیونها نفر از کارگران و زحمتکشان کشور ما را تهدید میکند

بیکاری ملیونها هموطن ماناشی از جبهات منفی سیاست اقتصاد دولت و گندی آهنک رشد اقتصاد و فرهنگ کشور است. بحران بیکاری در شهر و روستاها با اندازه بی بسط و توسعه یافته که مقامات دولتی نیز ناگزیر اند به آن اعتراف کنند. هرگاه ملیونها زن و مرد مستعد بکار را که در رشته های غیر تولیدی و بصورت بیکاری های مزمن دائمی و فصلی و غیر فعال حیات بسر میبرند مورد بخت علیحده قرار دهیم، هم اکنون صدها هزار نفر دهقان و کارگر در شهر و ده بیکارند. تنها در حدود هشتاد هزار کارگر ماهر و نیمه ماهر از رشته های مختلف پروژه های پلان دوم، بیکار مانده اند.

حالب توجه اینست که علی رغم بحران بیکاری مشهود در کشور که ناشی از وجود یک نظام کهنه اقتصاد کوچک و ناتوان افغانستان میا شد، باز هم مقامات دولتی افغانستان داد سخن از پیشرفت و ترقی کشور و ارتفاع سطح حیات مردم میزنند و گزارشهای پرمطراقی را از دستگاہ تبلیغات دولتی و است بخش می نمایند. آیا این وضع تا کدام وقت دوام خواهد کرد؟

باینکه مقامات رسمی دولت چیرا به بحران بیکاری اعتراف می نمایند، لیکن میخواهند چنین وانمود کنند که گویا این بیکاری صرف محصول افزایش نفوس و عدم قدرت مالی دولت در ایجاد موسسات انتفاعی و طرح پروژه های بزرگ و عدم سرمایه گذاری های خصوصی و در نتیجه، یک امر طبیعی کشور های کم رشد است.

علت اصلی و واقعی بیکاری در کشور، همانا عبارت از وجود روابط بسوده اقتصادی، اجتماعی است که محافل حاکمه کشور به حفظ و بقای آن علاقمندند.

بیش از ده سال است که دستگاہ کهنه اقتصاد افغانستان لنگان، لنگان بر محور دو پلان پنجساله میچرخد و اکنون در سال دوم «سومین پلان پنجساله» انکشاف اقتصاد و دانش و علم جبهات منفی دستگاہ حاکمه را آشکار سازیم، تا نگویند بشوری تسلیم داده شد.

بوضاحت دیده میشود که «سومین پلان پنجساله» از لحاظ گندی آهنک رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و محدود بودن حجم سرمایه گذاری پاسخگوی خواست زمان و خلق افغانستان نیست. مصالح جدی مردم افغانستان حکم می نماید که در طرح پلان سوم کشور تجدید نظر بعمل آید، منابع واقعی تمویل یک پلان علمی و مستدل تأمین گردد، از مواد و منابع ثروت های طبیعی کشور بصورت معقول بهره برداری شود و قوای عظیم بشری و ظن و سیعابکار انداخته شود.

ولی بکمال تأسف خاطر نشان میگردد که ما هیت طبقه ای محافل حاکمه سیاسی کشور و سیاست اقتصاد و تسامیلات درونی آنها طوریت که پلان گذاری مستدل و علمی و اجرای آنرا در افغانستان روز بروز به مشکلات بزرگ مواجه میسازد.

هموطنان! برای نشان دادن وضع هلاکت بار و گندی وحشت انگیز رشد اقتصاد ملی کشور چه مقیاس را اساس قرار دهیم؟ فقر، بیماری، بیکاری، بیسوادی، مرگ و میر هزاران هزار هموطن را؟ عواید ملی خجالت آور را؟ آهنک رشد را، سطح نازل حاصل دهی کار را، درجه استثمار غیر انسانی را، ارقام تجارت خارجی کشور را، ظلم و استثمار را؟ چه را...؟

هموطنان اجازه بدهید حجم مصارف انکشافی پلان سوم را با پلان دوم مقیاس قضاوت آهنک رشد اقتصادی

پلان پنجساله سوم کشور

قرار دهیم و با ارقام و حقایق گویا یا «مقامات مسؤول» صحبت کنیم. شاید برای شما هموطنان این صحبت کسالت آور باشد ولی نباید کسالت پنجساله انکشاف اقتصاد و دانش و علم جبهات منفی دستگاہ حاکمه را آشکار سازیم، تا نگویند بشوری تسلیم داده شد.

بوضاحت دیده میشود که «سومین پلان پنجساله» از لحاظ گندی آهنک رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و محدود بودن حجم سرمایه گذاری پاسخگوی خواست زمان و خلق افغانستان نیست. مصالح جدی مردم افغانستان حکم می نماید که در طرح پلان سوم کشور تجدید نظر بعمل آید، منابع واقعی تمویل یک پلان علمی و مستدل تأمین گردد، از مواد و منابع ثروت های طبیعی کشور بصورت معقول بهره برداری شود و قوای عظیم بشری و ظن و سیعابکار انداخته شود.

ولی بکمال تأسف خاطر نشان میگردد که ما هیت طبقه ای محافل حاکمه سیاسی کشور و سیاست اقتصاد و تسامیلات درونی آنها طوریت که پلان گذاری مستدل و علمی و اجرای آنرا در افغانستان روز بروز به مشکلات بزرگ مواجه میسازد.

هموطنان! برای نشان دادن وضع هلاکت بار و گندی وحشت انگیز رشد اقتصاد ملی کشور چه مقیاس را اساس قرار دهیم؟ فقر، بیماری، بیکاری، بیسوادی، مرگ و میر هزاران هزار هموطن را؟ عواید ملی خجالت آور را؟ آهنک رشد را، سطح نازل حاصل دهی کار را، درجه استثمار غیر انسانی را، ارقام تجارت خارجی کشور را، ظلم و استثمار را؟ چه را...؟

هموطنان اجازه بدهید حجم مصارف انکشافی پلان سوم را با پلان دوم مقیاس قضاوت آهنک رشد اقتصادی

مخارج زندگی مردم طاقت فرساست

معینی ثابت مانده و با افزایش زندگی روزمره مردم، بیش از پیش افزایش می یابد، کمی عواید و صعود نرخها زندگی طبقات زحمتکش شهر و روستاها ساخته است، سیر قیمتها در فاصله سالهای ۱۳۴۱ و شروع ۱۳۴۷ بیش از دو الی سه برابر بلند رفته و مصارف زندگی رانیز دو برابر کرده است.

افزایش مصرف زندگی و قیمتها در مقایسه با میزان عواید مردم شایان توجه فوری میباشد. در حالیکه از یکسو قیمت های اجناس مورد ضرورت عموم در طی شش سال بیش از دوسه برابر گردیده، از سوی دیگر در قدرت خرید افغانی تنزیل بعمل آمد، ولی عواید طبقات زحمتکش کشور همچنان تا حدود

معینی ثابت مانده و با افزایش زندگی روزمره مردم، بیش از پیش افزایش می یابد، کمی عواید و صعود نرخها زندگی طبقات زحمتکش شهر و روستاها ساخته است، سیر قیمتها در فاصله سالهای ۱۳۴۱ و شروع ۱۳۴۷ بیش از دو الی سه برابر بلند رفته و مصارف زندگی رانیز دو برابر کرده است.

افزایش مصرف زندگی و قیمتها در مقایسه با میزان عواید مردم شایان توجه فوری میباشد. در حالیکه از یکسو قیمت های اجناس مورد ضرورت عموم در طی شش سال بیش از دوسه برابر گردیده، از سوی دیگر در قدرت خرید افغانی تنزیل بعمل آمد، ولی عواید طبقات زحمتکش کشور همچنان تا حدود

يك نظر اجمالی ...

برخی از لغات و اصطلاحات

سیاسی و اقتصادی

برچم ازین شماره به بعد، نظر به تقاضای پیغم خوانندگان ارجمند خود، برخی از لغات و اصطلاحات مهم سیاسی و اقتصادی را برای رفع ضروری ترین نیاز متدنیهای بعضی از خوانندگان نشر مینماید.

امید داریم با نشر این لغات و اصطلاحات، به ارتقای سطح تئوریک دوستان ارجمند خدمت نموده باشیم. زیرا بدون تئوری علمی، پیروزی نهضت ممکن نیست. نقش مبارزین و روشنفکران را کسانی میتوانند ایفا کنند که دارای تئوری علمی باشند.

ارتجاع: عبارت است از مبارزه سیاسی طبقات کهنه اجتماعی، بر ضد ترقی و ترقیخواهان. ارتجاع سعی میورزد تا وضع قدیم را احیا کند، یا وضعی را که باید مطابق به شرایط جدید اجتماعی تغییر نماید، حفظ کند.

دموکراسی: اصطلاح دموکراسی به معنی حکومت خلق است. دموکراسی شکلی از حکومت است که اصل تابعیت اقلیت را اکثریت را رسماً اعلان میدارد، آزادی ساکنین کشور و برابری آنها را در برابر قانون برسمیت می شناسد. اینست تعریفی که در غرب از دموکراسی مینمایند و به همین تعریف عادی اکتفا سعی مینمایند که دموکراسی را از شرایط اقتصادی و اجتماعی حیات جامعه جدا مطالعه کنند و در نتیجه مسأله دموکراسی با اصطلاح خالص مجزا از شرایط اقتصادی و اجتماعی مطرح میشود.

در جوامع مختلف دموکراسی عبارت است از شکل سازمانی سیاسی آن جامعه. در جوامع طبقاتی دموکراسی خصلت طبقاتی دارد و عبارت است از حکومتی طبقه حاکمه. مثلاً در جوامع سرمایه داری دموکراسی عبارت است از شکل حاکمیت طبقه سرمایه دار و در جوامع فئودالی شکل حکومت ملاکان فئودال و بورژوازی مربوط. در این جوامع نیز در تحت فشار مبارزات مردم، طبقات حاکمه مجبور میشوند در داخل چوکات معین منافع طبقاتی شان، دست به بعضی اصلاحات زده، بعضی قوانین اساسی بوجود آرند و شکلا بعضی از مومسسات دموکراتیک را تشکیل یابند. ولی در پهلوی آن چنان موانعی نیز بوجود می آورند که زحمتکشان و توده های وسیع مردم نتوانند از این قوانین و مومسسات به نفع خویش استفاده کنند و بانواع و اشکال مختلف مردم را از دخالت در امور سیاسی باز میدارند.

دموکراسی به مفهوم اصلی کلمه، تا اندازه ای در یک حکومت دموکراسی ملی که در آن حکومت در دست مردم است، تا مین شده میتواند. باید دموکراسی شامل حال همه زحمتکشان و کلیه توده های مردم باشد. دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی ناقص است. تحقق می یابد که همه افراد جامعه در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور علی السبب سهم گرفته تأمین مادی و معنوی هر فرد جامعه قانوناً تضمین گردد.

طبق تجربه بلان دوم و دیگر حقایق کاملاً مورد اطمینان نمیشد. درین مورد مثالهای مشخص ارائه میگردد.

۱- تفاوت بین منابع پیشبینی شده تمویل از طریق کمک و قرضه از کشورهای خارجی طی بلان دوم و وجه حقیقی که بدست آمد و سهمی از مصارف انکشافی را نشان میدهد قرار ذیل است (به میلیون دالر) مجموع پیشبینی شده ۷۴۴، حقیقی ۲۵۲،۲ (۳۹۱،۸) بدست نیا مده است.

منجمله اتحاد شوروی: پیشبینی شده ۲۳۴،۵، حقیقی ۲۳۰ (باقی ۱۰۳،۸) بنا بر عدم توانایی در تدارک مصارف افغانی لازم و عوامل دیگر داخلی برای بلان سوم انتقال یافته است.

امریکا: پیش بینی شده ۲۵۰،۲، حقیقی ۸۲،۲ (انتقالی ندارد، باقی پیشبینی شده تحقق نیافت) آلمان غربی: پیشبینی شده ۵۰، حقیقی ۲۱،۴ (بارج سنگین باقی انتقال به بلان سوم)

ملل متحد: پیشبینی شده ۱۰، حقیقی ۱،۰ چکوسلواکی: پیشبینی شده ۲،۸، حقیقی ۲،۸ طبق پیشبینی بلان سوم ۶۹ فیصد ضرورت اسعاری مصارف انکشافی بلان سوم (امداد پیروزی آن ۴۲۰ میلیون دالر) از امداد و کسریتهای خارجی در نظر گرفته شده است که تاکنون از طریق کمکهای جدید اتحاد شوروی (بدون کمکهای انتقالی از بلان دوم به بلان سوم که ۱۰۳،۸ میلیون دالر میشود) معادل ۱۱۴ میلیون روبل (۱۲۶،۷ میلیون دالر) برای بلان سوم با شرایط مساعد و ربح کم و بدون قید و شرط تعهد گردیده است. کمک و امداد اتحاد شوروی به منظور رشد اقتصاد ملی کشور مجموعاً در طی بلان سوم تا معادل ۵ و ۲۳۰ میلیون دالر میرسد.

هرگاه تعهدات و کمکهای يك عده از کشورها و موسسات خارجی دیگر و عواید ناچیز اسعاری داخلی هم با کمک اتحاد شوروی (که تقریباً تاکنون در حدود بیش از دولت کمکهای خارجی را تشکیل میدهد) علاوه گردد باز هم از یکسو بیش از (۳۰۰) میلیون دالر برای تکافوی قسمت اسعاری بلان سوم بصورت حقیقی از منابع خارجی بدست آمده نمی تواند و از سوی دیگر دولت افغانستان بنا بر سیاست اقتصادی بی اساس و غیر علمی قادر نیست که مواد، پرسونل است و بخصوص منابع مالی داخلی (پول سنجش عمومی سر جمع بودجه

میلارد افغانی منابع داخلی، بیش از نصف آن بدست آمده نمی تواند.

۳- بکمال تأسف با بد خاطر نشان گردد که حکومت سابق در هنگام طرح بلان بصورت قطع در مصارف انکشافی بلان سوم بمقایسه بلان دوم مسأله سقوط قدرت خرید افغانی (پول) و افزایش قیمتها را در حساب نیاورده است. قیمتهدار کشور بطور عموم نسبت به سالهای اول بلان دوم دو الی سه برابر بلند رفته است. یز واضح علمی قادر نیست که مواد، پرسونل است و بخصوص منابع مالی داخلی (پول سنجش عمومی سر جمع بودجه

بگذار زمینی نو پدید آید، بگذار جهانی دیگر زاده شود.
بگذار نسل دیگری آکنده از شجاعت برخیزد.
بگذار مردمی که آزادی را دوست می دارند رشد یابند.
بگذار سرودها نوشته شود، بگذار نوحه ها ناپدید گردد.
بگذار نسلی از انسانهای نو برخیزد و حق را پیروز سازد.
«مار گارت واکر»

انکشافی بلان سوم نیز محاسبه گردد بدون اقلام دیگر کافیسست که پروگرام به اصطلاح سرمایه گذاری در پنج سال بلان سوم که ۲۳ میلیارد افغانی تعیین گردیده به نسبت بلان دوم (۲۵ میلیارد افغانی)، بصورت حقیقی به نصف سقوط کند و اینک فشار سنگینتری را با لای خلق کارگر کشور تحمیل کند.

مؤخر اینکه هر گاه حیف و میل، رشوه ستانی عامورین، مصارف زاید اداری و سوء استفاده های وسیع دیگر را با سه فقره بالا جمع نمایم پروگرام حقیقی سرمایه گذاری در پنج سال بلان سوم به مبلغ خجالت آوری تنزیل می یابد و در نتیجه رشد ضروری اقتصاد و فرهنگ کشور را در شرایط و وضع کنونی بصورت کندرو بطی تر ارائه می کند. مادر

حالیکه از سیستم بلان گذاری دولتی علمی، واحد و متمرکز با حفظ تناسب رشد... بشدت دفاع می نمایم و آنرا یگانه راه رشد سریع و همه جانبه اقتصاد ملی میدانیم، ولی جهات منفی روش سیاست و اداره اقتصادی و فزونی هلاکت بار رشد اقتصاد و فرهنگ کشور را، که دولت افغانستان تعقیب می نماید، محکوم میسازیم زیرا جهان به سرعت محیرا لعقول به پیش میرود و فاصله و شکاف عقب ماندگی کشور ما نسبت به سطح جهانی هر روز در حال افزایش است و دیگران وضع برای خلق افغانستان غیر قابل تحمل است.

معلوم است و قتی حکومت و مؤسسات مسؤول دولت موضوع را تا اینجا تعقیب نمایند با تبختر و با کبر علمی و تجربه (!) زهر خند خواهند زد و اظهار خواهند داشت که «عواید ملی ما کم است، تراکم سرمایه و عواید دولت از کجا تأمین گردد؟ اینها نظری حرف میزنند...» خدا کند که فحش نگویند و توطئه دیگری علیه ما راه نیندازند!

این نظر که افغانستان فاقد سرمایه است، بصورت واضح نفوذ استعمار جدید امپریالیزم را در کشور ثابت میسازد.

آقایان! اجازه بدید راه تدارک سرمایه را بصورت فور مولیندی شده زیرین (در شماره آینده) نشان بدیم!

ای دنوی عصر باده

ای دنوی عصر باده را چلیپه را چلیپه !
 ای دژوند خلتانده لمره را خلیپه را خلیپه !
 به دی و چو شا پو خمکو
 راوچت تازه گلان که
 له دی لوخو و چو غرو نو
 راوچت ویده بازان که
 گرنسی شسه او چتپیره

ای دنوی عصر باده را چلیپه را چلیپه !
 ای دژوند خلتانده لمره را خلیپه را خلیپه !
 ددی خاوری هره لوبشته
 هم فردوس دی هم جنت دی
 هر یو بوئی، هره تیره
 هم عزت دی، هم غیرت دی
 خوب دی بس دی رالتپیره

ای دنوی عصر باده را چلیپه را چلیپه !
 ای دژوند خلتانده لمره را خلیپه را خلیپه !
 ای دغرو هزار گانو !
 ای پنبستو نه ای از بکه
 دافغان لویه تیره
 له ترکمنه تر تا جکه
 در واری شمه یو کیره

ای دنوی عصر باده را چلیپه را چلیپه !
 ای دژوند خلتانده لمره را خلیپه را خلیپه !

(سلیمان لایق)

از (ص اول)

کارگران کشور بیکار اند !

از يك سو بیکاری و از سوی دیگر
 بلندرفتن روزافزون قیمت ها، زندگی
 میلیونها زحمتکش وطن را بطور
 بیسابقه بی مورد تهدید مرگ قرار
 میدهد.

قابل غور است که حتی «مقامات
 مسؤول» راجع به مساله رفع بیکاری
 (در پلان سوم) اقدام عملی مؤثری
 را مطرح بحث قرار نداده اند.

تجربه مبین این حقیقت است که تنها
 يك اقتصاد سالم و مترقی و ملی
 میتواند برای همه مردم کار ایجاد
 کند و برای اشتغال بیکاران پلان
 عملی طرح نماید. ولی در چهارچوب
 اقتصادی که ملاکان فئودال و تاجران
 بزرگ دلال داخلی و تاجران خارجی
 و نمایندگی های انحصارات کشور-
 های سرمایه داری چون گسگان
 در ربه آزاد گذاشته شوند و هدف
 شان غارت مردم و منابع و ثروت های
 طبیعی وطن ما باشد، طبیعیست که
 رفع بیکاری صد ها هزار کارگر و
 زحمتکش کشور مورد بحث قرار
 گرفته نمیتواند.

بیکاری در کشور بصورت عام
 در تمام طبقات و قشر های زحمتکش
 اجتماعی وجود دارد. کارگران
 صنعتی و ساختمانی داد از بیکاری
 میزنند، اهل کسبه و پیشه و ربنابر
 کساد بازار بیکار اند، دکانداران
 بیکار اند، دهقانان بیکار اند، زنان
 بیکار اند، ماموران بیکار اند، حتی
 تحصیل کردگان بیکارند، بیکاری و

همه جا بیکاری چون طاعون شیوع
 دارد. ملیو نه نفر در کشور بیکار
 هستند. شاید خود آنها و یا
 عوامفریبان محافل حاکمه و دروغویان
 علم باف اقتصاد بورژوازی مدعی
 شوند که اشخاص شامل کار در
 کشور به ملیو نه میسرند (این آقایان
 در جدول بیلا نس قوای بشری
 افغانستان طی پلان سوم چنین ادعای
 نادرستی کرده اند).

بحران بیکاری که محصول مستقیم
 کندی آهننگ رشد اقتصادی کشور
 است با تمام فشار زحمتکشان
 کشور را شکنجه میدهد.

باید خاطر نشان ساخت، کسانیکه به
 اصطلاح مشغول کارند بنابر عدم
 تناسب بین عواید آنها و گرانی
 قیمت های مواد اولیه زندگی با فقر و
 گرسنگی دچار اند، اکنون فکر
 کنید زندگی کسانیکه کار و
 دستمزدی بقدر بخور و نمیر هم
 ندارند، چه خواهد بود؟
 روی همین حقایق تلخ و جان-
 کداز است که باید کارگران
 و زحمتکشان بیکار و کار دار و طن
 ماهیت دستمزدگرانه طبقات حاکمه
 کشور را درک کنند و فریب تبلیغات
 دروغین این و آن را نخورند. با هم
 متحد شوند، اتحادیه های کارگری
 خود را تشکیل دهند و بصورت
 متشکل از حقوق صنعتی، اقتصادی
 و سیاسی خویش دفاع نمایند.

نور احمد

(وکیل پنجوئی فندهار)

مبارزه عادلانه خلق قهرمان ویتنام و اعراب، مبارزه همه مردمان جهان
 علیه امپریالیزم، علیه ارتجاع و در راه استقلال ملی و آزادی و دیموکراسی است

لحظه ئی بان و ستان

طوری که انتظار میرفت نشر جریده
 «پرچم» مورد استقبال و توجه
 پسر حرارت دو ستان، محافل ملی،
 دموکراتیک و مترقی کشور قرار
 گرفت.

«پرچم» از حسن استقبال و احساسات
 پرشور عموم طبقات زحمتکش
 افغان نشان اظهار امتنان کرده، از
 دوستان محترمی که تاییدات، نظریات
 و انتقادات صحیح و منطقی خود را
 ابراز داشته اند، صمیمانه سپاسگزار
 است.

کارکنان این جریده با ارزش مهمی
 که به نتایج مثبت انتقاد سلیم قائل
 اند، به نظرات و انتقادات پرارج مبنی
 بر حسن نیت و خالصی از شایسته
 خوانندگان بصیر و صاحب نظر
 خود، اهمیت فراوانی میدهند.
 و امیدوارند با استفاده از این نظرات
 و انتقادات بتوانند در راه تحقق
 آرمانهای عالی دموکراتیک خلق
 به بیروزبهای بزرگتری نایل آیند.

اماد مورد بعضی از بنیتهای
 و اشعار بیکه دو ستان ارجمند پرچم
 بغرض نشر بمانند، باید
 اظهار داشت که چون نشریه پرچم
 پالیسی نشراتی خاصی دارد. و از
 طرف دیگر صفحات آن خیلی محدود
 است، بنابر آن مجبوری با عرض
 معذرت از نشر کامل آنها گوشه ئی
 از عقاید، اشعار، نظرات و انتقادات
 دو ستان را درین ستون انعکاس دهیم.

**دوست گرامی بنما غلی «سپا» از
 کیلی!**

ترانه شور انگیز شما درباره
 پرچم خوانده شد. در پیچ و خم هر
 مصراع و بیت آن عشق و علاقه آتشین
 شما نسبت به خلق افغانستان پدیدار
 است.

چون اشعار و نوشته های
 فراوانی از گوشه و کنار های مختلف
 افغانستان بمان رسیده است، بنابر آن
 صرف یک بند از ترانه شما نشر
 میشود:

جریده ای که خبر میدهد ز رنج نهان
 زسوز سینه زحمتکشان و زنجبران
 ز درد و اندوه دیرین مردمان فقیر
 ز آه و ناله خلق رسیده بر لب جان
 همیشه بادی بلند و قوی پرچم خلق
 فسرده باد همان دل نیست در غم خلق

دوست عزیز بنما غلی حزین!
 باز چه شعر شما بنام «پرچم»
 مطالعه شد. احساس عالی شما
 در خورشید ستایش است. چون قطع
 پرچم خورد است و ابداعات فکری
 نوآوران وطن پرست کشور فراوان
 برای آنکه کلیه علاقمندان
 آرمانهای دموکراتیک و اندیشه های
 پیشرو معا صرا در پرچم بیابند،
 صرف بنشر مطلع شعر شما
 میپردازیم و از نشر کامل آن محترمانه
 پوزش می خواهیم.

مونس من، روح من، وی چشمه حیوان من
 نام پاکت، زینت سر دفتر دیوان من
 و چه خوش آمدن سیمت با بهار خوشگوار
دوست محترم پیشووال!

شعر شما به عنوان «پرچمه»
 مطالعه گردید. آرزو مندیم تا جذبات
 ملی شما را بعد ازین هم به بهترین
 شیوه ترجمانی کرده بتوانیم و هدف های
 وطن پرستانه شما را تحقق بخشیم.
 اینک دوبیت از شعر شما:

تهیی ز موز دا حساسا تو لوی هیندار
 پرچمه
 تده خان به زده نبستر به ستر گو
 خار پرچمه

ستاپه جو پنبست ملت خوشحاله دیر
 له حده شولو
 به تا گویان شو دملت دز په اسرار
 پسرچمه

**بنما غلی محترم عثمان سلیمان خیل
 هروی از تخار!**

منظومه شما بنام «افکار اجتماع»
 با دقت مطالعه شد. کارکنان پرچم
 به دردهای دل شما
 آگاهی یافتند. چون سخنان تان بهم
 تسلسل منطقی دارد و نشر چند بیت
 آن از غنای کلام شما میکاهد،
 بنابر آن از نشر آن بصورت ناقص
 خودداری گردید.

بنما غلی روح به خشی!
 پارچه شعر شما که نشانه
 درک صحیح و مبین علاقمندی تان به
 نهضت نجات بخش ملی و اندیشه
 های دموکراتیک خلق افغانستان
 است، مطالعه گردید. معانی رنگین
 و الفاظ خوشی را که در تو صیغ
 پرچم گفته اید، مایه تشویق کارکنان
 جریده است. آرزو مندیم که برای
 امید های نو و روح پر تلاش مردم
 خود جو لانگاه مساعی را مهبیا کرده
 بتوانیم.

داد از تقاعد...

عنوان منظومه ایست که حسب
 حال مامورین خرد رتبه متقاعد ایرانیان
 میکند. این منظومه توسط یک عده از
 مامورین متقاعد به اداره سپرده شد،
 از خلال آن فریاد های غم انگیز
 مردمان کهنسال بی بگوش میرسد،
 که عمر خود را بخاطر خوشبختی آسوده
 حالان کشور به بی حاصلی سپری
 کرده اند، و امروز نقد و باداشی جز
 افسردگی، تشویش، نگرانی، اندوه،
 و عدم مصونیت در کف ندارند.

کارکنان پرچم معتقد اند تا اتحادیه
 های دیموکراتیک اصناف مختلف
 اجتماعی تشکیل نشود و بصورت
 دسته جمعی مبارزه صورت نگیرد
 هیچگاه و هرگز طبقات حاکمه
 و اقلیت کوچک و صاحب امتیاز
 کشور، به فکر بهبود زندگی مادی
 معنوی، مصونیت و رفاه مامورین
 پایین رتبه و متقاعدین نخواهند افتید.

دفاع از جنبش آزادی بخش ملی پښتونستان از وظایف ملی و بین‌المللی دموکراتیک خلق افغانستان بشماره می‌رود.

«اشغالگران امپریالیست بریتانیا خط استعماری نام نهادید و پورند رادرسال (۱۸۹۳ع) بر قلمرو سیاسی افغانستان خلاف اذاده خلق‌های آن تحصیل کرد و در نتیجه یک قسمت از ساحه مملکت را از پیکر آن جدا نمود. از آن تاریخ تا کنون جنبش‌های ملی ضد استعماری و امپریالیستی خلق‌های پښتونستان بصورت مستمر و مداوم جریان دارد. نیروهای ترقیخواه دموکراتیک خلق افغانستان به پیروی از اصل «حق تعیین سرنوشت‌ملل» از جنبش‌های بخش ملی خلق‌های پښتونستان پشتیبانی میکنند»

(اول: امور سیاسی فقره ۸ مرام دموکراتیک خلق.)

سرمایه داری جهانی

در مرحله سوم بحران عمومی

جنگ جهانی اول و ظهور نخستین نظام جدید اجتماعی در دنیا، بحران عمومی سر مایه داری را بوجود آورد. جنگ جهانی دوم و بوجود آمدن انقلاب‌های اجتماعی، در یک عده از کشورهای آسیا و اروپا باعث ایجاد مر حله دوم بحران عمومی سر مایه داری گردید. اکنون سر مایه داری جهانی از چندین سال باین طرف در مر حله سوم بحران عمومی خود دست و پا میزند.

«مهمترین خصوصیت مر حله جدید اینست که آغاز این مرحله ناشی از جنگ جهانی نبوده است. یکی از مو جهای نیرو مند جهان جنبش‌های آزادی بخش ملی است که آخرین پایگاه‌های قدرت نظام استعماری را در هم شکسته و ارکان امپریالیزم را از هم می پاشد. بجای کشور های مستعمره و نیمه مستعمره سابق، کشورهای نو بنیادی در آسیا و افریقا پدید گردیده و به مبارزه خود علیه طرد کامل امپریالیزم به پا خاسته اند.

امپریالیزم دگر به دوران اضمحلال و سقوط خود نزدیک گردیده و تسلط خود را بر اکثریت ملل جهان از دست داده است. در هر نقطه جهان پرچم مبارزه علیه استعمار نوین و امپریالیزم قهرمانانه بلند است و جریان جنبش آزادی بخش ملی همدوش با نظام‌های نوین جهانی و جنبش‌های عظیم کارگران جهان، بحران سر مایه داری جهانی را تشدید میکند.

مظاهر مرحله سوم بحران عمومی سرمایه داری قرار آتی است:

- جدا شدن روز بروز کشورهای نو بنیاد از جهان سرمایه داری و تلاشی نظام استعماری امپریالیزم.
- ضعف روز افزون مو اضع امپریالیزم در مسابقه اقتصادی با نظام‌های نوین اقتصادی و کشورهای کم رشد که در راه صنعتی ساختن کشور سعی مینمایند و از صدور مواد کشور های سرمایه داری بداخل کشور خود جلو گیری میکنند.
- شدت تضاد های امپریالیزم و

موانع تحصیلی

وشاگر دان بی سر نوشت

سال جدید تعلیمی برای شاگردان معارف و پوهنتون، با افسردگی و مصیبت تازه‌ای آغاز شد. هزاران نفر از فارغان مکاتب ابتدائی بخاطر به اصطلاح عدم گنجایش لیسسه‌ها در تمام کشور، بلا تکلیف بسر میبرند و جمع کثیری از فارغ التحصیلان پر استعداد لیسسه‌های مرکز و ولایات که تحصیلات شانرا بر طبق اصول تدریس عهد عتیق به پایان رسانیده اند، به علت عدم آشنائی، در کانون پوهنتون که به سیستم تست (تفاوت) امریکائی گرفته میشود ناکام مانده اند و به امید تحصیلات عالیتر، در کوریدور های پارلمان، پوهنتون، وزارت معارف و جاده‌های شهر سرگردانند. ولسی جرگه، پر روز ۱۱ حمل ۴۷ به این مناسبت و بنابر شکایات معصلان، بصورت فوق العاده، موضوع معارف و کانون شمول در پوهنتون را مطرح و فیصله کرد تا وزیر معارف به تاریخ ۱۳ حمل، به

بزمها

دوش از کاخ بلند و باشکوه! ... خنده های دختران می پرست، قلقل پی در پی مینای می با صدای ساغر مردان مست! ... در فضای بیکران پیچیده بود لیک، دانی حاصل این بزم چیست؟

دورتر... در دامن ویرانه‌ها، در میان خانه‌های بی‌نوا، از درون روزم و یوانه‌ای، بر فلک می رفت آهنگ عزای... کودکی از گسنگی جان داده بود! بیهوشی بر نعش او خون میگر بست. «باوق شفیع»

جلسه سوال و لسی جرگه حاضر شود و درین زمینه به سوالات و کلا جواب بدهد. جلسه سوال به روز موعود دایر گردید، ولی سر نوشت شاگردان همچنان مبهم باقی ماند و برای حل مسأله هیاتی از طرف ولسی جرگه تعیین گردید تا موضوع را تحت مطالعه قرار دهد!

در گذشت نابهنگام گاکارین

قهرمان اتحاد شوروی

هفته گذشته مرگ یوری الکسی ویچ گاکارین اولین قهرمان اتحاد شوروی با تأثیر عمیق در جهان اعلام گردید. یک حادثه سقوط طیاره جت ترمینی جای یک انسان واقعی، یک انسان کشف و یک انسان پیشتاز جهان را در عالم فضا نوردی خالی کرد.

گاکارین بعد از انجام اولین ماموریت بزرگ و تاریخی خود از طرف مردمان شوروی افتخار القاب بیلوت، کیهان نورد و ماستر سپورت را حاصل کرد. و باخذ جایزه لنین توفیق یافت.

گاکارین و خانمش بتاریخ ۲۱ قوس ۱۳۴۰ بافغانستان مسافرت رسمی دوستانه نمودند. که خاطره آن هنوز در اذهان شهریان کابل و علاقمندان ترقیات علمی و فنی بشری بجای مانده است.

تا جائیکه آژانس‌های معتبر جهان اعلام داشتند خاکستریوری گاکارین اولین کیهان نورد جهان با مرسم خاص نظامی در پای دیوار کریمین در میدان سرخ مسکو دفن شد.

پرچم: این ضایعه را با تأثیر عمیق به همه مردم جهان، مردم کشور دوست و همسایه ما اتحاد شوروی و بخانواده وی تسلیم می‌گردد.

پرچم

به دو زبان پښتو و دری فعلا بروز های پلچشمه نشر می شود

سال تاسیس: حوت ۱۳۴۶
 صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان «لایق»
 آدرس: غوثی مارکیٹ محمد خان واپ کابل - افغانستان
 نمبر حساب جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتني تجارتي بانک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی ولایات و پښتونستان: سالانه ۱۱۰ - افغانی
 خارج کشور: سالانه ۱۰۰ دالر
 قیمت یک شماره: ۲ - افغانی
 ۳۸۵۳ پښتني تجارتي بانک